

گرامی باد یاد آبتین، ستم‌کشته‌ی راه آزادی



بیانیه کانون نویسندگان ایران

۱۶ دی ۱۴۰۲

پیش از ظهر ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۰، قلب پرشور بکتاش آبتین از تپش ایستاد. زندانبانان حکومت که در بی‌اعتنایی به جان و سلامت زندانیان کارکشته‌اند، این‌بار نیز پس از ابتلای مجدد آبتین به کرونا، به‌رغم علائم آشکار بیماری، با اخلاص عامدانه در روند درمان او، «جنایت عمدی» دیگری را کلید زدند؛ آبتین را پس از چندین روز سرگردانی میان بند و بهداری شبانه به بیمارستان طالقانی بردند، به تخت بیمارستان زنجیر کردند، در بی‌خبری مطلق جامعه او را شبانه‌روز آزار دادند و سرانجام جسم نیمه‌جان‌ش را به خانواده سپردند. کار از کار گذشته بود و چنان‌که خودش، بریده بریده، در روزهای آخر بر زبان می‌آورد در آن مهلکه مرگ را پیش چشمانش آورده بودند.

بکتاش آبتین آزادی‌خواه و آزاداندیش بود. در برابر سرکوب و ستم، سکوت و مصالحه نمی‌شناخت. کانون نویسندگان ایران را پرچمدار آزادی‌خواهی می‌دانست و عضو پایدار کانون بود. مبارزه را فضیلت می‌شناخت و از همین رو ایستاد و جان بر سر آرمان‌های خود نهاد. هم او که پیش از زندان در پیامی گفته بود:

«امروز به اندازه‌ی کافی شاعر خوب، فیلم‌ساز خوب، هنرمند خوب

داریم. چیزی که کم داریم این است که یک سری آدم بایستند و مبارزه کنند.»

اکنون دو سال از قتل حکومتی آبتین گذشته است. او خود نبود تا جنبش آزادیخواهانهی مردم را ببیند. او نبود تا دلاوری زنان را ببیند و همچون همیشه دوشادوش مردم بهجانآمده بایستد. نبود تا در برابر جنایت و سرکوب حاکمیت همراه یاران کانونیاش باشد و بانگ آزادیخواهی برآورد. اما عزم و آرمان آبتین در یاد و آثارش ماندگار است و در قلب مردم آزادیخواه زنده میماند.

گرامی داشت یاد آبتین، پاسداشت پایداری و ایستادگی است، پاسداشت آنان که چشم بر آزادی کُشی نمی‌بندند و جانشان را نیز در راه تحقق آزادی دریغ نمی‌کنند. اکنون که حکومت، به ضرب و زور، گرد یأس می‌پراکند و سایه‌ی سنگین خفقان را بر سر و سامان مردم می‌گستراند، اکنون که صدای دادخواهان را خفه می‌کند تا مگر دادخواهی به محاق رود، کانون نویسندگان ایران یاد بکتاش را به یاد همه‌ی ستم‌کشتگان راه آزادی، همچون محمد مختاری و محمدجعفر پوینده و ... گره می‌زند و به بانگ بلند اعلام می‌کند که دادخواه جانِ جوانِ پرپرشده‌ی آبتین است و تا روشن شدن تمامی ابعاد این جنایت و محاکمه‌ی عاملان و مقصران آن از پا نمی‌نشیند.

روز دوشنبه ۱۸ دی ساعت ۱۵ در گورستان امامزاده عبدالله شهرری در کنار خانواده و دیگر دوستداران بکتاش آبتین مزار او را گلباران می‌کنیم.

کانون نویسندگان ایران

۱۶ دی ۱۴۰۲



ا تو بوس مرگ، برگي از تاريخ!



کا نون نویسندگان ایران

چهار شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۲ - ۰۹ اوت ۲۰۲۳

قتل نویسندگان، هنرمندان و دگراندیشان، بالاترين و غيرانسانيترين مرتبه‌ي سانسور و فجييع‌ترين شکليست که در سانسور اندیشه و بيان نمود مي‌يابد. ۱۷ مرداد يادآور کوشش ناموفق وزارت اطلاعات جمهوري اسلامي در به قتل رساندن جمعي از نویسندگان و روزنامه‌نگاران ايران است که برخي از آنان عضو کانون نویسندگان ايران بودند.

در تابستان سال ۱۳۷۵ و در راستاي قتلهاي سياسي زنجيره‌اي در دهه‌ي ۷۰، وزارت اطلاعات توطئه‌ي به درّ ه افکندن اتوبوس حامل جمعي از نویسندگان را ترتيب داد تا آنان را که به دعوت اتحاديي نویسندگان ارمنستان عازم اين کشور بودند، به قتل برساند.

در تابستان آن سال پس از هماهنگي‌هاي لازم، مقرر شده بود سميناري ادبي و فرهنگي با عنوان «بررسي و شناخت ريشه‌هاي مشترک دو فرهنگ»، به ميزباني دانشگاه ايروان و با هماهنگي سفارت ارمنستان برگزار گردد. بيست و يک نويسنده، شاعر و روزنامه‌نگار بي‌خبر از دسيسه چيني-نيروهاي امنيتي، در اين سفر حضور يافتند.

برنامه‌ي سفر به گونه‌اي ترتيب داده شد تا سفر به جاي هواپيما با اتوبوس انجام پذيرد. در مسير اين سفر مرگبار، راننده که از اجيرشدگان نيروهاي امنيتي بود، دو بار اتوبوس را در گردنه حيران تا لبه‌ي پرتگاه هدايت کرده و سپس خود را به بيرون پرتاب

می‌کند که بار دوم با هوشیاریِ دو تن از نویسندگان، اتوبوس متوقف می‌شود و این سفر نافرجام با نجاتِ مسافران از مرگ به پایان می‌رسد.

پس از قتل تبهارانه‌ی جمعی از روشنفکران و نویسندگان دگراندیش از جمله احمد میرعلایی، غفار حسینی، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، از اعضای کانون نویسندگان ایران، موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای که در دهه‌ی ۱۳۷۰ اتفاق افتاد، واقعه‌ی سفر به ارمنستان به «اتوبوس قتل نویسندگان» و «اتوبوس ارمنستان» شهرت یافت.

این واقعه برگی مهم از تاریخ سانسور و سرکوب در ایران معاصر است که همواره با شکستن قلم‌ها، بستن روزنامه‌ها، ممنوع‌القلم کردن نویسندگان، ممانعت از انتشار کتاب، حذف کلمات، ارباب، تهدید، بازداشت، زندان، شکنجه، اعدام، قتل و حذف فیزیکیِ نویسندگان مستقل و آزادی‌خواه همراه بوده است. تاریخی خونی و محنت‌بار که در ماجرای سفر به ارمنستان، ماهیت خشن و صلب استبداد و تکصدایی بار دیگر آشکار می‌شود.

برگرفته از فیسبوک کانون نویسندگان ایران

ناصر پاکدامن درگذشت



1402 – 1311

ناصر پاکدامن روز یکشنبه سوم اردیبهشت ۱۴۰۲ (۲۳ آوریل ۲۰۲۳) در پاریس درگذشت. او علاوه بر نقش و فعالیت برجسته‌اش در جنبش روشنفکری، فرهنگی و آزادیخواهی تاریخ معاصر ایران، طی سالیانی دراز یکی از همراهان ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران و از مؤسسين آن بود.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران ضایعه‌ی درگذشت این نویسنده فرهیخته و روشنفکر آزادیخواه را به خانواده و دوستان او و به جامعه‌ی فرهنگی و روشنفکری ایران و همه‌ی آزادیخواهان تسلیت می‌گوید.

نام و یاد ناصر پاکدامن همیشه گرامی باد!



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



اطلاعیه کانون نویسندگان ایران

ناصر پاکدامن درگذشت

ناصر پاکدامن (۱۳۱۱-۱۴۰۲) نویسنده، اقتصاددان، ادیب، پژوهنده و عضو برجسته‌ی کانون نویسندگان ایران، در تبعید درگذشت. او در ایران اقتصاد خواند، برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه رفت و سال ۱۳۴۶ به ایران بازگشت. سپس در دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و تا سال ۱۳۶۰ همچنان به تدریس ادامه داد تا در همان سال مانند صدها استاد برجسته و آزادی‌خواه دیگر مشمول اخراج‌های استبداد دینی نوظهور شد و به سبب فعالیت

در «سازمان ملی دانشگاهیان»، که در شکل‌دادن به اعتراض‌های دانشجویان و استادان به بی‌رسمی‌ها و سرکوب‌های حکومت تازه به قدرت رسیده نقشی بس پررنگ داشت، و نیز عضویت و فعالیت در کانون نویسندگان ایران ناگزیر مخفیانه به تبعیدی ناخواسته تن داد. پاکدامن در سراسر سال‌های فعالیت خود در کانون نویسندگان ایران همواره بر خط آزادی‌خواهی کانون و ناوابستگی به قدرت پا می‌فشرد.

پاکدامن در تبعید نیز هیچ‌گاه دست از فعالیت‌های فرهنگی و آزادی‌خواهانه‌ی خود باز نداشت و همراه با محسن یلفانی، دیگر عضو کانون نویسندگان ایران، در سال ۱۳۶۵ نشریه وزین «چشم‌انداز» را بنیاد نهاد که جمعی از برجسته‌ترین نویسندگان با آن همکاری داشتند. «چشم‌انداز» تا ۱۳۸۵ به عمر پر یار خود ادامه داد و در این مدت ۲۳ شماره از این گاه‌نامه منتشر شد. افزون بر آن، پاکدامن در دوران تبعید کتاب مهم «قتل کسروی» و «نامه‌های صادق هدایت به حسن شهید نورایی» را نیز به چاپ رساند.

کانون نویسندگان ایران ضایعه‌ی درگذشت این دانش‌مرد برجسته، یار صدیق کانون نویسندگان ایران، را به خانواده و جامعه فرهنگی مستقل کشور و همه‌ی آزادی‌خواهان تسلیت می‌گوید.

یاد دکتر ناصر پاکدامن گرامی و یادگاران‌ش پایدار

کانون نویسندگان ایران

۳ اردیبهشت ۱۴۰۲

Sun 23 04 2023

به مناسبت سومین سالگرد کشته‌شدگان آبان ۱۳۹۸

بیانیه

(۲۴ آبان ۱۴۰۱)

به مناسبت سومین سالگرد کشته‌شدگان آبان ۱۳۹۸



کانون نویسندگان ایران

بیانیه کانون نویسندگان ایران

اکنون با موج موج اعتراض‌های خونین، آبان ۱۳۹۸ به آبان ۱۴۰۱ پیوسته و ۶۰ روز از جنبش آزادی‌خواهی مردم ایران گذشته است. میان این دو آبان خونین، همچون هرروز و هرماه این سالیان نکبت و آکنده به وهن به شان و کرامت انسانی، زندگی و آزادی، به تاراج رفته و نانِ بیشمار مردم به قیمت جان به کف آمده است.

آبان ۱۳۹۸ همچنان «ادامه دارد» و خود ادامه‌ی بیش از چهار دهه مبارزه و مقاومت مردم به‌جان‌آمده است. جمهوری اسلامی از نخستین روزهای استقرارش در کار در هم شکستن این مقاومت و مبارزه‌ی مردمی و سرکوب آزادی بیان بوده است. سرکوب جنبش زنان در اسفندماه ۱۳۵۷، حمله به کردستان در نخستین ماه‌های پس از انقلاب بهمن، برچیدن مطبوعات مستقل، حمله‌ی تبه‌کارانه و خونین به دانشگاه‌های سراسر کشور در سال ۱۳۵۹ و به راه انداختن مضحکه‌ی «انقلاب فرهنگی»، سرکوب استادان مستقل دانشگاه‌ها، قتل عام دگراندیشان، مبارزان و زندانیان سیاسی در سراسر دهه‌ی ۶۰، سرکوب حاشیه‌نشینان مشهد در سال ۱۳۷۱، قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای، سرکوب دانشجویان در کوی دانشگاه، کشتار ۱۳۸۸، به خاک و خون کشیدن معترضان در دیماه ۱۳۹۶، شلیک به هواپیمای مسافربری در در دیماه ۱۳۹۸ و حمله به مردم بی‌آب خوزستان در تابستان ۱۴۰۰ فقط چند برگ از سیاهه‌ی سرکوب‌گری حاکمیت است.

آبان ۱۳۹۸ یادآور سرکوب مردمی است که هستی‌شان زیر بار فقر و گرانی خرد شده بود و سفره‌هایشان کوچک و کوچک‌تر؛ مردمی که به خیابان‌ها آمدند و پاسخ اعتراض را با گلوله، با اعدام و زندان، با شکنجه و تبعید گرفتند. حاکمیت نام کشتار را «جراحی» گذاشت و پس از آن نیز بی‌وقفه به آزار دادخواهان و خانواده‌ی کشته‌شدگان ادامه داد. در این سه سال سنگ مزار ستم‌کشتگان نیز از گزند عملی سرکوب در امان نبوده است. ابعاد حقیقی این فاجعه‌ی هولناک همچنان پنهان مانده است اما آنچه از سد سانسور و تهدید حاکمیت گذشته خبر از هزاران کشته می‌دهد. از بازداشت‌شدگان و دادخواهان نیز هنوز شماری در زندان‌اند.

در آبان ۱۴۰۱ نام مهسا (ژینا) امینی «رمزی» است که دادخواهان و آزادی‌خواهان تمام این سالیان را هم‌گام و هم‌صدا کرده است. زنان این‌بار پرچمدار مبارزه شده‌اند؛ زنانی که از نخستین روزهای

زمانمداری این حاکمیت، تحت سرکوبی نظاممند و مضاعف بوده‌اند و همواره برای بدیهی‌ترین حقوقشان مبارزه کرده‌اند. از همین روست که اکنون پیشگامی آنان و شعار «زن، زندگی، آزادی» همگان را گرد هم آورده تا «درد مشترک» را به رزم مشترک بدل کنند و خروش آزادی‌خواهی را به گوش جهان‌نیان برسانند.

کانون نویسندگان ایران، ضمن گرامی‌داشت یاد ستم‌کشتگان آبان ۹۸ و جنبش اخیر و با تاکید بر حق بی‌چون و چرای مردم برای بیان آزادانه‌ی اعتراض، بار دیگر همبستگی خود را با جنبش آزادی‌خواهانه‌ی مردم ایران اعلام می‌کند.

کانون نویسندگان ایران

۲۴ آبان ۱۴۰۱

در اعتراض به اجرای حکم دو تن
از اعضای
کانون نویسندگان ایران



بیانیه



در ماه‌های اخیر، حکومت موج جدیدی از آزار و احضار و به بند کشیدن فعالان صنفی را به راه انداخته است. بسیاری از نویسندگان، معلمان، فعالان زنان و کارگری به زندان احضار شده‌اند یا ابلاغیه‌هایی برای وثیقه‌گذاران آنان ارسال شده است. دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران، علیرضا ثقفی و هاله صفرزاده نیز ماه گذشته در مراسمی در کرج بازداشت شدند و بلافاصله حکم زندان پیشین آنان اجرا شد.

علیرضا ثقفی خراسانی، نویسنده، مترجم، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران و هاله صفرزاده، نویسنده، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ در پارک جهان‌نمای کرج بازداشت و پس از ۱۶ روز حبس به قید کفالت آزاد شدند. چند ماه بعد، دادگاه هر یک از آنها را به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدید نظر تأیید و

به اجرای احکام فرستاده شد. ثقفی و صفرزاده از معرفی خود به زندان اوین در تاریخ مقرر سر باز زدند، اما پس از بازداشت در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۴۰۰ در کرج، برای اجرای حکم پیشینشان به زندان کجویی منتقل شدند.

کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن سرکوب مداوم فعالان مدنی و سیاسی که همچون همیشه با فشار بر خانواده‌ها و نزدیکان آنان همراه است، خواهان لغو فوری حکم‌های صادر شده برای ثقفی و صفرزاده و آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کانون نویسندگان ایران
۲۰ فروردین ۱۴۰۰

حاکمیت آزادی‌ستیز بکتاش آبتین
را به قتل رساند



بکتاش آبتین (۱۳۵۳-۱۴۰۰)

اعلامیه کا نون نویسندگان ایران

مردم ایران!

آزادیخواهان ایران و جهان!

بکتاش آبتین (۱۳۵۳-۱۴۰۰)، شاعر، فیلمساز، و عضو دلاور و برجسته‌ی کانون نویسندگان ایران را سرکوبگران آزادی‌کش عامدانه به قتل رساندند.

بکتاش آبتین روز ۱۲ آذر ماه با علایم آشکار کرونا به پهداری زندان اوین مراجعه کرد و تا سه روز بعد از آن بدون دریافت هیچ درمانی در مسیر میان بهداری و بند سرگردان بود. در روز ۱۵ آذر وخامت حال آبتین به جایی رسید که زندانبانان او را شبانه و در بی‌خبری کامل به بیمارستان منتقل کردند. با آن که دو روز بعد با پیگیر خانواده و هم‌بندان آبتین سرانجام آشکار شد که او در بیمارستان طالقانی بستری است، اما مسئولان زندان و بیمارستان همچنان از دادن هرگونه آگاهی درباره‌ی بیماری آبتین امتناع می‌کردند. آبتین به تخت بیمارستان زنجیر شده بود؛ بدون ملاقات و بی‌هیچ خبری از بیرون. بدین‌گونه، ده روز حیاتی ابتدای بیماری در زندان و در بیمارستان طرف قرارداد زندان زیر فشار نیروهای امنیتی عامدانه تلف شد. روز ۲۲ آذر ماه، بدن نیمه‌جان آبتین به بیمارستان دیگری منتقل شد و روند درمان در شرایطی وخیم آغاز شد. بیماری، عوارض آن و فشار روانی ده روز نخست، ذره ذره جسم آبتین را تحلیل برد. روز ۱۱ دی ماه، پزشکان به ناچار او را به خواب مصنوعی فرو بردند تا شاید بتوانند او را از مرگ تدریجی تحمیل‌شده نجات دهند. ظهر ۱۸ دی ماه، قلب پرشور بکتاش آبتین ایستاد و برگ سیاه دیگری به جنایتهای جمهوری

اسلامی افزوده شد.

بکتاش آبتین شاعری آزادی‌خواه و آزاداندیش بود که عمر کوتاه و پُر بار خود را دست‌مایه‌ی شورانگیزترین سروده‌های خود کرد؛ از رنج و شادمانی مردم نوشت و سرود آزادی را با همه‌ی وجود خویش زیست و جان گران‌قدر خود را فدای آزادی و آرمان‌های آزادی‌خواهانه‌ی کانون نویسندگان ایران کرد. او فیلم‌سازی شجاع و خلاق و مستقل بود که بی‌هراس از دیو مخوف سانسور زوایای زندگی انسان ایرانی را به تصویر کشید و صدها تصویر، ایده، و شعر ناسروده را با خود به آغوش خاک برد.

دریغا سرکوب‌گران ظلمت‌خو که این هنرمند مردمی و آزادی‌خواه را در اوج خلاقیت و بالندگی، در روز روشن از مردم و جامعه‌ی ادبی و هنری ایران ربودند، به زندان‌اش افکندند و عامدانه با اخلاص در روند درمان‌اش، چراغ پُر فروغ جان عاشق و شیدای او را در برابر طوفان بیداد نهادند و خاموش کردند.

کانون نویسندگان ایران چنان که پیش از این بارها اعلام کرده است، حاکمیت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی و امنیتی آن را عامل و مسئول فاجعه‌ی مرگ و بلکه قتل تبه‌کارانه‌ی بکتاش آبتین می‌داند و صدای دادخواهی خود را به گوش جهانیان می‌رساند و از همه‌ی آزادی‌خواهان، نهادهای مستقل هم‌سو و مدافعان حقوق بشر می‌خواهد چشم بر این جنایت نبندند و فریاد اعتراض خود را رساتر کنند.

کانون نویسندگان ایران هم‌چنان نگران سلامت سه عضو زندانی خود، رضا خندان مهابادی، که هم اکنون با بیماری کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کند، کیوان باژن و آرش گنجی و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی است و بیم آن دارد که هر آینه با تداوم سیاست‌های جنایت‌کارانه، فاجعه‌ای دیگر به بار آید.

کانون نویسندگان ایران با ابراز تسلیت قتل بکتاش آبتین به خانواده، یاران او در کانون نویسندگان

ایران، و جامعه‌ی مستقل فرهنگی کشور و اعلام تعهد
به ادامه‌ی راه او در مبارزه با سانسور و دفاع از
آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا در مراسم
بدرقه و خاکسپاری او در کنار خانواده‌اش خواهد
بود.

کانون نویسندگان ایران
۱۸ دی ۱۴۰۰